

Explaining the external and internal contexts of Tayeb Saleh's novel "Arus al-Zain" in the field of critical discourse

Shamsi Vaqefzadeh¹, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Varamin- Pishva Branch, Iran
Azadeh Ghavami, PhD student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch, Iran

Received: 04-11-2020

Accepted: 18-06-2021

Introduction: Critical discourse analysis is a type of examination that aims at the illegitimate use of power, domination, and inequality through writing and speech in a particular social or/and political context. Norman Fairclough, one of the leading experts in this field, believes that discourse analysis takes place in the stages of description, interpretation and explanation. Since literary texts, like political texts, have discourse-oriented structures, by studying and analyzing them critically, one can detect the author's ideology or thoughts. The reason for choosing the novel "Arus al-Zain" as a prominent work by Tayeb Saleh is that it establishes a good interaction between the author and the reader in the framework of social actions and institutions as well as the connection of power and ideology with the concept of discourse. The study also seeks to answer such questions as 'To what extent is critical analysis of discourse based on Fairclough theory at the levels of description, interpretation, and explanation applicable to the novel *The Baptism*?' and 'How can this analysis bring the audience closer to the author's ideological thoughts?'

Methodology: In this article, an attempt is made to acquaint the reader with the religious, anti-traditional and idealistic tendencies of the author and to reveal the hidden truth by a descriptive-analytical method and through upgrading the analysis of the text from the level of description to the levels of interpretation and explanation. This shows the text beyond the novel and the underlying layers.

Results and Discussion: 1. Critical analysis of the discourse in the novel "Arus al-Zain" at the level of description:

By analyzing the structure of the text in the description stage, the hidden meanings of the words are revealed. This level of discourse critical analysis is organized around several main questions, the most important of which are the lexical titles, grammatical rules and textual structures. In this novel, grammatical words and constructions have an ideological burden, and the location of the novel suggests the confrontations that are always reflected in social structures. The novel begins with the discourse of the principal and the student, following the domination of those in power. This is while the discourse of most of its characters implies equality of power among them.

2. Critical analysis of the discourse in the novel "Arus al-Zain" at the level of interpretation:

¹- Corresponding Author Email: shvaghefzadeh@yahoo.com

The level of interpretation, which is the product of the dialectical connection of the formal features and the underlying knowledge of the interpreter's mind, recounts some of the presuppositions that exist in the minds of the people. At the same time, the theme of the story revolves around the wedding of Zain and Naeema. The novel has a logical process in telling the story and depicting the relationships among people, which is often based on the equality of power in rural society. At the level of interpretation, there are questions such as 'What is the discourse participants' interpretation of the linguistic and situational contexts?', 'What is the story?', 'Who is involved?', 'What is the relationship between them?' and 'What is the role of women in advancing the story?'

3. Critical analysis of the discourse in the novel "*Arus al-Zain*" at the level of explanation:

In this stage, the text is analyzed as a part of the process of social struggle in the context of power relations at various institutional, social and situational levels. These relations are effective in shaping the discourse. At the level of explaining, the story depicts the factors of pervasive ignorance and superstition and adherence to false traditions and male domination over women on the one hand and the material and cultural poverty of the Sudanese society on the other. In fact, the author wants the day to come when the women of the society, like Naeema, will stand against the dominant power of the society, that is, cultural and social ignorance.

Conclusion: The critical discourse analysis approach reflects the relationship between the author, the text and the reader and expresses the effects of text and situational context on discourse. The novel "*Al-Zain*" is a social-realistic novel that reproduces the bitter realities of a particular period in Sudan. Tayeb Saleh, the author, tries to portray beyond words and sentences. Critical discourse analysis of the novel allows the audience to examine it at various levels and to detect the deepest layers of structure and meaning in the novel for the ideology and attitudes of the author. This novel was studied at the three levels of description, interpretation and explanation. As it was found, since Tayyab Saleh created his work in the 1970s, the post-colonial era of Sudan, he has a realistic and critical view of the issues and problems of this period. In fact, by exploring the novel's discourse, he demonstrates a kind of social struggle against unhealthy and naturalized traditions. In the end, Saleh manifests himself in zain's wedding as a symbol of an ideal society in which all the segments of people enjoy peaceful human relations with equal social rights and power of discourse.

Keywords: Critical discourse, Fairclough, *Arus al-Zain*, Tayeb Saleh.

کاربست رویکرد گفتمان انتقادی فرکلاف در تحلیل رمان «عُرسُ الزَّین» اثر

طیب صالح

شمسی واقف زاده^{۱*}، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا

آزاده قوامی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی نوین در تحلیل گفتمان است که لازمی آن شرکت دادن عواملی همچون قدرت، ایدئولوژی، تاریخ و مواردی از این دست، در متن می‌باشد. براساس نظریه‌ی نورمن فرکلاف، برای کشف لایه‌های زیرین و تحلیل الگوی گفتمانی، باید سه سطح «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» را بررسی کرد. این جستار به‌روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی رمان «عُرسُ الزَّین» اثر طیب صالح و با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، در پی پاسخ‌گویی به کیفیت تحلیل انتقادی گفتمان رمان مذکور در سطوح توصیف، تفسیر و تبیین می‌باشد و مشخص می‌کند که نویسنده در سطح توصیف، با توجه به اسلوب گفتمان جاری و عامیانه، زبان ساده، کنایه‌آمیز و گاه خبری و تکراری که با بار عاطفی و مذهبی - اعتقادی همراه است، در پی بیان اندیشه‌های خویش می‌باشد. در سطح تفسیر نیز، به بافت موقعیتی، پیش‌فرض‌ها و میان‌متنی‌های گفتمان توجه دارد و چارچوب و موضوع موردنظر خود را در قالب رمان و در طی گفتمان‌ها بیان می‌کند؛ به‌طوری‌که سیر تغییر و تحول شخصیت‌ها، بازگشت به‌سوی فطرت انسانی آن‌ها دارد و با راهنمایی و گفتمان ارشادی رهبری دینی و عرفانی، صورت واقعیت به‌خود می‌گیرد. در سطح تبیین، نویسنده قصد دارد تا تأثیر ساختار اجتماعی در نوع گفتمان و تأثیر بازتولیدی که این گفتمان می‌تواند در تغییر ساختار بگذارد را به‌تصویر بکشد. اگرچه صالح در این رمان، دیدگاهی رئالیستی و انتقادی از اوضاع جامعه را ارائه می‌دهد، اما گرایش‌ات آرمان‌گرایانه‌ی او به سمت مدینه‌ی فاضله‌ای است که در آن، تمامی نهادهای اجتماعی با قدرتی هم‌سطح، از روابط مسالمت‌آمیز انسانی برخوردار باشند.

کلید واژه‌ها: گفتمان انتقادی، فرکلاف، طیب صالح، رمان عرس الزین.

مقدمه

یکی از رویکردهای نوین در تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی است و «نورمن فرکلاف» (۱۹۴۱) زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی، یکی از صاحب نظران برجسته در حوزه می‌باشد که معتقد است، تحلیل گفتمان در مراحل توصیف، تفسیر و تبیین صورت می‌پذیرد. گفتمان به واسطه‌ی ساختارهای متفاوت شکل می‌گیرد، اما خود در شکل‌دهی مجدد ساختارها و یا بازتولید آن‌ها نیز سهم دارد که این ساختارها، به‌صورتی بی‌واسطه، از ماهیتی ماهیتی گفتمانی و ایدئولوژیک برخوردار هستند. «ایدئولوژی‌ها، نمود اولیه‌ی جوانب مختلف جهان هستند که در ایجاد و حفظ روابط قدرت، سلطه و استثمار بسیار مؤثر خواهند بود» (Rogers, 2011: 123). عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت در جامعه، نهادها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیکی، موجب ایجاد متن یا صورت زبان و معانی می‌شوند (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۲). این گفتمان، از ویژگی انتقادی بودن برخوردار است؛ یعنی اینکه خود را به لحاظ سیاسی بی‌طرف نمی‌داند و اصرار دارد تا وضعیت موجود را تغییر دهد (سرلک، ۱۳۹۶: ۲۶). در واقع تحلیل انتقادی گفتمان، نوعی از تحلیل گفتمانی است که نحوه‌ی استفاده‌ی غیرمشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات که از طریق نوشتار و گفتار در یک بافت اجتماعی و سیاسی خاص صورت می‌گیرد و یا در برابر آن ایستادگی می‌شود را بررسی می‌نماید» (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۶). همچنین این گفتمان علاوه بر توضیح واحدهای ساختاری درون یک متن، به زبان کاربردی آن نیز معطوف است (میلز، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

از آنجاکه تحلیل متون جدید، به‌ویژه نوع ادبی رمان، در تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی جهان معاصر نقش بسزایی دارد، مسأله‌ی تحلیل متون بر این اساس و بیان گفتمان غالب و جهت‌دهی به آن، از ضرورت‌های ادب معاصر به‌شمار می‌آید. متون ادبی نیز همچون متون سیاسی، دارای ساختارهای گفتمان‌مداری هستند که با مطالعه و تحلیل انتقادی آن‌ها، می‌توان به افکار ایدئولوژیک نویسنده‌ی آن دست یافت. علت انتخاب رمان «عُرْسُ الرِّین» اثر برجسته‌ی طیب صالح (۲۰۰۹-۱۹۲۹)، از رمان‌نویسان واقع-گرای سودانی، آن است که این رمان، تعامل ارتباطی خوبی بین نویسنده و خواننده در

چارچوب کنش و نهادهای اجتماعی و پیوند بین قدرت و ایدئولوژی با مفهوم گفتمان دارد. لذا در این جستار سعی می‌شود تا به‌روش توصیفی-تحلیلی و با ارتقا بخشیدن به تحلیل متن، از طریق انتقال سطح توصیف به سطح تفسیر و تبیین، خواننده را با گرایش‌های مذهبی، ضد سنتی و آرمان‌گرایانه‌ی نویسنده در این اثر آشنا نموده و حقایق پنهان موجود در ورای رمان و لایه‌های زیرین متن را در بافت جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی بنمایاند.

همچنین پاسخ به سؤالات پژوهشی زیر، هدف دیگر این پژوهش می‌باشد:

-تحلیل انتقادی گفتمان براساس نظریه‌ی فرکلاف در سطوح توصیف، تفسیر و

تبیین تا چه حد بر رمان «عُرسُ الزَّین» قابل انطباق است؟

-تحلیل انتقادی گفتمان رمان «عُرسُ الزَّین»، چگونه می‌تواند مخاطب را به افکار

ایدئولوژیک نویسنده نزدیک کند؟

در این پژوهش پس از بیان خلاصه‌ای از داستان و بیان مقدمه‌ای از تحلیل گفتمان

انتقادی و رویکرد فرکلاف، به تحلیل انتقادی رمان مذکور در سه سطح توصیف، تفسیر

و تبیین پرداخته می‌شود.

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد رمان «عُرسُ الزَّین»، پژوهش‌های اندکی انجام گرفته از جمله:

یاسمن چگینی در مقاله‌ی خود با عنوان «نگاهی به مجموعه‌ی داستان عروسی زین»

(سمرقند، ش ۱۷: ۱۳۸۶)، به مقایسه‌ی شخصیت‌های سه داستان موجود در کتاب

عروسی زین با داستان کوتاهی از گابریل گارسیا مارکز به نام «زیباترین غریب جهان»

می‌پردازد و به این جمع‌بندی می‌رسد که شخصیت‌های این دو رمان، از جهات متعددی

به هم شباهت دارند و تنها تفاوت میان این دو داستان در آن است که شخصیت اصلی

داستان گابریل، یک زن است اما در رمان صالح، مردان شخصیت‌های اصلی آن داستان را

تشکیل می‌دهند و زنان دهکده، هیچ نقشی به‌جز خبررسانی ندارند.

در مقاله‌ی «شخصیت‌سازی در رمان عرس الزین»، نوشته‌ی سکینه بناساز و همکاران، (چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی: ۱۳۹۶)، به بررسی و تحلیل شخصیت‌های رمان و زاویه‌ی دید راوی پرداخته و از گفتگو، کنش و ایجاد ارتباط بین عملکرد اشخاص داستان صحبت می‌کنند.

اما در مورد رویکرد گفتمان انتقادی فرکلاف، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته از جمله:

فردوس آقاگل‌زاده در مقاله‌ی «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات» (ادب پژوهی، ش ۱: ۱۳۸۶)، به بررسی رابطه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی و زبان‌شناختی با ادبیات و تحلیل متون ادبی می‌پردازد.

در مقاله‌ی «بررسی رمان الصبار سحر خلیفه براساس الگوی تحلیلی فرکلاف»، نوشته‌ی نسرين عباسی و مالک عبدی (نقد ادب معاصر عربی، ش ۳: ۱۳۹۱)، نویسندگان در حوزه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی، به دو رویکرد اجتماعی و زبان‌شناختی اشاره می‌کنند که در رویکرد اجتماعی گفتمان، بافت موقعیتی تشریح می‌گردد و در رویکرد زبان‌شناسی، بافت متنی شرح داده می‌شود.

حمزه نوذری و همکاران در مقاله‌ی خود با عنوان «سودمندی گفتمان انتقادی فرکلاف در تحلیل متون انضمامی» (فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ش ۱: ۱۳۹۲)، با تأسی از روش فرکلاف به این سؤال پاسخ داده که متون رسانه‌ای ایران که در حال بازنمایی واقعیت بحران اقتصادی اجتماعی اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی هستند، از چه گفتمان‌ها و نظریه‌های کلانی متأثر می‌باشند.

«تحلیل گفتمان انتقادی داستان کوتاه ناخلف نوشته سید مهدی شجاعی»، عنوان مقاله‌ای به قلم سهیلا فرهنگی و سودابه بانگ‌آور است که در مجله‌ی ویژه‌نامه‌ی فرهنگستان (ادبیات انقلاب اسلامی)، ش ۲: ۱۳۹۴ به چاپ رسیده و نویسندگان در آن مقاله سعی نمودند تا این داستان را با توجه به رویکرد فرکلاف در سه بخش توصیف، تبیین و تفسیر بازخوانی کنند.

افسانه میری و همکاران در مقاله‌ی خود با عنوان «مقایسه‌ی قدرت دو شخصیت محوری رمان «آتش بدون دود»» (جستارهای زبانی، ش ۴۵: ۱۳۹۷) سعی نموده‌اند تا با توجه به نظریه‌ی گفتمان فرکلاف، به شناخت شخصیت‌های قدرت‌مدار یا منفعل در رمان نادر ابراهیمی بپردازند و از نظرات و جانبداری‌های ایدئولوژیک نویسنده، رمزگشایی کنند.

با توجه به مقالات بسیار معدودی که در مورد رمان «عرس الزین» نگاشته شده، به نظر می‌رسد در حال حاضر هیچ پژوهشی در زمینه‌ی نقد گفتمانی داستان صورت نپذیرفته و پژوهش حاضر برای اولین بار این رمان را از منظر نظریه‌ی گفتمان انتقادی فرکلاف مورد بررسی قرار می‌دهد.

خلاصه‌ی رمان

در داستان عرس الزین، حنین که یک راهب و سالک است، با حمایت از مردی به نام «زین» که مردم او را دیوانه می‌پنداشتند، حادثه‌ی را برای اهل دهکده رقم می‌زند و اهالی روستا، در این مورد که حنین مرتاض، عامل تمامی این اتفاقات غیرمنتظره است، با یکدیگر هم‌عقیده هستند. مردم در این دهکده، جز کار و زحمت، سرگرمی دیگری ندارند، زنان نیز درگیر رنج و مسائل مربوط به خانه و خانواده هستند و می‌بایستی از مردان به‌عنوان قدرت برتر، اطاعت و فرمانبرداری نمایند. از زمان حضور حنین و حتی پس از مرگ او، برکت، ثروت و آبادانی به زمین‌ها و کشتزارهای روستا روی می‌آورد و اوضاع مردم روستا به‌طرز چشمگیری تغییر و تحول می‌یابد. از سوی دیگر نیز شخصیت‌های اصلی رمان، همچون زین، سیف‌الدین و محبوب، دچار تحول اخلاقی و رفتاری می‌گردند و زین با دختری باسواد و فهیم به نام نعیمه ازدواج می‌کند. ازدواج زین با شایسته‌ترین دختر روستا، خود مبدأ معجزه‌های بزرگ در تاریخچه‌ی دهکده به حساب می‌آید؛ در واقع صالح در این رمان، به‌خوبی تأثیر گفتمان حنین و برکت وجود عرفانی وی را در هدایت و ارشاد شخصیت‌های متزلزل داستان و دگرگونی و پیشرفت در اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی مردم (بخش کلان جامعه)، بازتاب می‌دهد.

تحلیل گفتمان انتقادی رمان «عرس الزین» در سطح «توصیف»

ایدئولوژی طیب صالح به شیوه‌های مختلف قابل درک است. یکی از این شیوه‌ها، روش تحلیل ساختار متن می‌باشد که در مرحله توصیف صورت می‌گیرد و برای آشکار ساختن معانی نهفته در کلمات است. «این سطح از تحلیل انتقاد گفتمانی بر حول چند پرسش اصلی سازمان‌یافته، که مهم‌ترین آن سه عنوان واژگانی، قواعد دستوری و ساختارهای متنی است» (بهرام‌پور، ۱۳۷۸: ۱۴).

واژگان

انسان‌ها غالباً در گفتگوهای روزمره، معنای واژه‌ها را برحسب روابط آن‌ها تبیین می‌کنند و برای انجام این کار، معنای هر واژه را نه از لحاظ ویژگی‌های مؤلفه‌ای، بلکه برحسب رابطه‌ی آن واژه با واژه‌های دیگر، مد نظر قرار می‌دهند. این رویکرد که در توصیف معنایی زبان به‌کار می‌رود و تحلیل روابط واژگانی نام دارد، در رمان «عرس الزین» در قالب نمونه‌هایی بروز پیدا کرده است:

دشواره

صورت‌هایی زبانی هستند که ذکر آنها از لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، ناشایست تلقی می‌شود؛ برخی از این واژه‌ها فحش و ناسزاهایی هستند که بار منفی فرهنگی آنها را می‌رساند (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۰۹). بر خلاف زنان، مردان در عرصه‌ی گفتار رقابت‌گرا و درپی نشان دادن برتری خود بر طرف مقابل هستند و از نظر اجتماعی نیز آزادی‌های بیشتری دارند. به همین دلیل بیشتر از زنان از دشواره‌ها، به‌ویژه دشواره‌های رکیک، استفاده می‌کنند (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۷۵). در این رمان برخی از واژگانی که کاراکترها در گفتگوهایشان با هم به‌کار می‌گیرند، واژگانی تمسخرآمیز، بی‌ادبانه، توهین‌آمیز و نیش‌دار است که این ویژگی، معمولاً در گفتگوهای خودمانی و محاوره‌ای کاربرد دارد. مثلاً زین در جایی درباره‌ی سیف‌الدین می‌گوید: «طیب لیه الحمار الدرک یروح لی عمی و یقول له

الزین مش راجل بتاع عرس^۱» (صالح، ۱۴۱۷: ۹۱). یا در جایی دیگر، سعید به همسرش می‌گوید: «إمشی احرى دروس من بنات الناظر^۲» (همان: ۸۵).
اما واژگان به‌کار گرفته‌شده از سوی توریفی (دانش‌آموز) در روند مکالمه با مدیر مدرسه، مؤدبانه و احترام‌آمیز است: «یا فندی سمعت الخیر؟^۳» (همان: ۳). یا وقتی که مدیر مدرسه این خبر را شنید که می‌خواهند نعیمه را از میان همه‌ی خواستگاران‌ش به زین بدهند، عصبانی شد و تمام عصبانیتش را سر عبدالصمد خالی کرد و گفت: «یا رجل أنت مجنون؟ انت ما تعرف تفرق بین الجد و الهزار؟ اما أنت راجل أونطه صحیح!^۴» (همان: ۷۲). این جملات همگی از اصطلاحات عامیانه، کنایه‌دار و تمسخرآمیز تشکیل شده است؛ اما در مقابل، واژگان به‌کار گرفته‌شده از سوی حنین همگی مثبت، دعاگونه و محترمانه است مثل: «الزین. المروک، الله یرضی علیک^۵» (همان: ۴۵).

واژگان خاص و نامدهی

استفاده از این واژگان، هرگز تصادفی نیست و چه بسا از طریق آن، مخاطب به معانی نهفته در متن راه می‌یابد. در رمان، انتخاب نام «الزین» برای کسی که از نظر ذهنی دچار مشکل عقب ماندگی است و گفتار و رفتارهای زشت از او سر می‌زند، نمونه‌ای از بهره‌برداری از این قالب است.

استعاره

موضوع «استعاره»، از جمله بحث‌هایی است که فرکلاف در بخش ارزش‌بیانی واژگان بدان توجه دارد. استعاره از نظر فرکلاف، وسیله‌ای برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه برحسب جنبه‌ای دیگر از آن است و به هیچ‌وجه منحصر به آن نوع گفتمانی نیست که به‌صورت کلیشه‌ای مرتبط با آن فرض شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: 183). استعاره در این رمان نامگذاری همسر سعید به «حیفة»^(۶) (صالح، ۱۴۱۷: ۸۵). که استعاره از زن متعفن و بد بو همچون مردار است.

تضاد معنایی واژگان در رمان

این امر در رمان «عرس الزین» در قالب کلماتی همچون (مرد و زن)، (شوخی و جدی)، (سیاه و سفید)، (تأکید و تکذیب) آمده است. دو واژه‌ی متضاد (مرد و زن)، چندین بار در دیالوگ‌ها تکرار شده، مثلاً عبدالصمد می‌گوید: «الراجل راجل و إن كان بی ریاله، والمرأة مرأة و إن كانت شجرة الدر»^۷ (صالح، ۱۴۱۷: ۷۳). استفاده‌ی نویسنده از واژه‌های متضاد، بیانگر فضای تنگ اجتماعی و نارضایتی نویسنده از اوضاع نابسامان جامعه می‌باشد.

قواعد دستوری

در رابطه با تبیین ارزش تجربی دستوری، باید به سؤالاتی از این دست پاسخ داده شود:

۱. آیا کنشگری مشخص است؟
۲. آیا جملات معلوم هستند یا مجهول؟
۳. نحوی استفاده از ضمائر ما، شما، آنها و ضمائر ملکی چگونه است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۰).

ارزش تجربی ساخت‌های نحوی در قالب فعل‌های معلوم و مجهول و همچنین بسامد اندک جملات مجهول بر این موضوع دلالت دارد که مردم از این مطلب به خوبی آگاه هستند که از سوی کدام عامل قدرت دچار رنج گشته‌اند.

صورت‌های نحوی همچون فعل معلوم و مجهول، تأکید، تکرار، جملات امری، پرسشی و انکاری و غیره در گفتمان‌های مختلف ایدئولوژیک، کاربردهای مختلف با مقاصد متفاوتی دارند. برای نمونه ممکن است گاه به سبب اهمیت حادثه و مهم‌نبودن فاعل آن، جمله به صورت مجهول ذکر شود.

کنش‌گران (فاعلان) در رمان

زین، حنین، آمنه، مدیر مدرسه، توریفی، محبوب — عبدالصمد، شیخ‌علی، مادر زین، عبدالحفیظ، حامد و د رئیس، طاهر رواسی، احمد اسماعیل، مادر حلیمه، سیف‌الدین، سعیدیه، نعیمه، برادر نعیمه، امام جماعت، سعید، حاج ابراهیم، و بسیاری از مردان و زنان و دختران و اهالی ده مثل: حاج علی، همسر سعید، مردم قبیله‌ی طلحه، کولی‌ها،

خوانندگانی همچون: فاطمه، مشهورترین خواننده‌ی عرب یا کورتاوی نوحه‌خوان، و چندین شخصیت فرعی دیگر، کنش‌گران رمان را تشکیل می‌دهند. در واقع در بسیاری از موارد، «کنش‌گران جاندار هستند و این امر عموماً مصداق دارد. اما کنش‌گران می‌توانند به صورت اسامی غیرجاندار، اسامی انتزاعی و یا صورت‌های اسمی شده تحقق یابند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۹). مثلاً: «النحاس يقول: الزین عرس، الزین عرس» (صالح، ۱۴۱۷: ۱۰۲)، در این جمله، «طبل برنجی» کنش‌گری غیرجاندار به‌شمار می‌آید.

مفعولان (کنش‌پذیرها) در رمان

در رمان، عروسی زین، یک فنجان قهوه، چوب درخت خاردار، عروس، علویه، دخترم، گندم، مرگ مادرم، خواندن و نوشتن، درد سرما، فرش‌ها، شکم بزرگ تو را، تبر، مرگ را، برکت و آمرزشش، ثروت پدرش، روحش، شوخی و جدی و مواردی دیگر، از جمله کنش‌پذیرهایی هستند که در داستان وجود دارند. مثل «زین» در این رمان، بارها هم در زمره‌ی کنش‌گران و هم کنش‌پذیرها واقع شده‌است.

جملات مثبت و منفی

جمله از حیث اثبات و نفی پیام و مفهوم بر دو گونه‌ی مثبت و منفی تقسیم شده‌است. در این رمان، ۳۵ جمله‌ی مثبت و ۱۶ جمله‌ی منفی وجود دارد. از ویژگی‌های زبان حنین، به‌عنوان شخصیت مثبت داستان، استفاده از جملات کوتاه و تکراری است که هم به پیشگویی درباره‌ی آینده‌ی دهکده می‌پردازد و هم بر آمرزیدگی زین و انتخاب او از سوی خداوند تأکید می‌کند. وی در پاسخ به کسانی که زین را دیوانه می‌پنداشتند، می‌گفت: «الزین مو بهیم. الزین میروک. باکر بعرس أحسن بت فی البلدا» (صالح، ۱۴۱۷: ۴۷). جملات و واژگان به‌کار گرفته‌شده از سوی حنین، ساده، معلوم و مثبت است و همین ویژگی‌های دستوری، موجب افزایش تأثیرگذاری کلام او در میان مردم روستا می‌شود.

وجهیت در جملات

در جملات، سه وجه اصلی خبری، پرسشی و امری وجود دارد؛ در گفتگوهای این رمان، ۹۸ جمله خبری، ۷۴ جمله پرسشی و ۳۰ جمله امری وجود دارد که در ادامه به بیان آنها پرداخته خواهد شد:

جمله‌های پرسشی

نوع دیگری از جملات که در این رمان، از بسامد بالایی برخوردار است، جملات پرسشی می‌باشند؛ پرسش‌هایی که گاه شخص پرسشگر، منتظر پاسخی برای آن است و گاه بدون هیچ انتظاری برای پاسخ مطرح می‌شود و کسی منتظر جواب آن نیست. در واقع جملات پرسشی، حاصل کشمکش درونی شخصیت‌ها است که در ذهن آنان، خوشبینی‌ها و بدبینی‌ها در حال نزاع با یکدیگر هستند و از این‌رو، پرسش‌های پی در پی و بی‌جوابی را مطرح می‌کنند. گاهی جمله‌های پرسشی، خواهشی و گاهی بیانگر نوعی تردید هستند که شخصیت داستان را در چالش قرار می‌دهد. مثل: «ما تخلی أن الطرطشته و الکلام الفارغ تمشیء تشوف أشغالک^{۱۱}» (صالح، ۱۴۱۷: ۲۴) که در اینجا، نعیمه منتظر پاسخی از سوی زین نیست و استفهام موجود در آن سؤال، معنای توییخی را در خود دارد. یا مثل: «افندی سمعت الخیر؟»، «خبر بتاع آیه یا ولد یا بهیم؟»^(۱۲) (همان: ۳). در تعامل میان این دو نفر، در قالب بیان سؤال و جواب، مدیر مدرسه به‌عنوان مشارکِ قدرتمندتر و مسلط‌تر، با زبانی محاوره‌ای و بی‌ادبانه، توریفی را «بچه‌ی بی‌شعور»، خطاب می‌کند. تکرار واژه‌ی منفی «بیشعور» در قالب جمله‌ای پرسشی، مؤکد بی‌ارزش بودن دانش‌آموز از دید مدیر است. از سوی دیگر به عقیده‌ی فرکلاف: «همواره شگردهای مفیدی در دست مشارکین کم‌قدرت‌تر برای مقابله با صاحبان قدرت وجود دارد.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۰۶). برای مثال، توریفی در جایگاه فردی کم‌قدرت‌تر، از سلاح ویژه‌ای برای گفتگو با مدیر بهره می‌گیرد که آن، به انحراف‌کشیدن ذهن مدیر با بیان خبر عروسی زین و نعیمه است. توریفی می‌داند پیش از این، مدیر، خواستگار نعیمه بوده

و از این رو، بی توجه به خشم مدیر با به کارگیری این شگرد زبانی و گفتمانی، ذهن مدیر را از تنبیه و توییح، به سمت عروسی زین می کشاند.

جملات امری

بیشتر جملات امری، حاصل گفتمان قدرت است و قدرت، آفریننده‌ی امر، دستور و خواستن (نه از نوع خواهش) است. رمان عرس الزین به دنبال بیان قدرت نیست و تعداد کمی از شخصیت‌هایش از این گفتمان قدرت استفاده می‌کنند و از این رو، جملات امری از بسامد پایینی برخوردار هستند؛ مثل: «یا زول جبتک طایرة علیک، قوم افتح الخزنة دی ادنی قروشی، ولا کمانان بقیت ما بی ضمة کمان فهمنی^{۱۳}» (صالح، ۱۴۱۷: 4). در اینجا عبدالصمد با قدرت و اراده‌ی قوی برای وصول طلبش به درب مغازه‌ی شیخ علی می‌رود و به گونه‌ای آمرانه از او می‌خواهد تا پولش را بدهد. یا در جایی دیگر آمده: «تَقْعُد یا تَغور^{۱۴}» (همان: ۲۴). که این جمله‌ی امری به نوعی غیررسمی و توهین‌آمیز است.

کاربرد ضمیر

از نظر فرکلاف، کاربرد ضمایر نقش مهمی در نوع جهان بینی نویسنده دارد. در متن رمان، نویسنده با استفاده از ضمایر، به مخاطب در فهم جهان بینی خود کمک نموده است؛ در ادامه به بیان این ضمایر و تحلیل آن پرداخته خواهد شد:

ضمیر ملکی «ام»

در رمان، این گونه از این ضمیر ملکی استفاده شده است: «علی. أنت یعنی قائل أنا ما بخلص قروشی منک، ولا فکرک شنو^{۱۵}؟» (صالح، ۱۴۱۷: ۴). در اینجا از ضمیر ملکی «ام» در «پولم» استفاده شده است که نوعی دل‌بستگی، از خود دانستن و خود را همراه و همزاد دیگر عناصر داستان پنداشتن و حس عاطفی را ایجاد نموده است.

ضمیر «ما»

در این رمان، از ضمیر «نا» به معنی «ما»، بارها بهره گرفته شده و «استفاده از ضمیر «ما» به جای «من»، یعنی شخص دارای این اقتدار است که از طرف دیگران حرف بزند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۵) که در کلام زین خطاب به حنین به کار رفته است، مانند زمانی که زین به اطاعت از حنین همه جای سر او را بوسید و گفت: «شیخنا الحنین. أبونا المبروک^۶» (صالح، ۱۴۱۷: ۴۸). به کارگیری ضمیر «نا» در کلام زین، بیانگر قدرت و اقتدار او می‌باشد؛ وی از طرف تمامی حاضران در صحنه، سخن می‌گوید؛ همچنین استفاده از این ضمیر معنای «تساوی، تعامل و همدلی» را در بر داشته باشد.

ارزش بیانی افعال کمکی

افعال کمکی در معانی مختلفی کاربرد دارد و «فعل توانستن به خودی خود به عنوان یک وجه رابطه‌ای می‌تواند نشان مجاز بودن باشد». (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۴)؛ اما همان گونه که در مورد جملات پرسشی گفته شد، این نوع از جملات، نسبتاً پیچیده تر هستند و انواع متفاوتی دارند. مثلاً در این رمان، عبدالصمد به شیخ علی می‌گوید: «علی. أنت یعنی قائل أنا ما بخلص قروشی منک، ولا فکرک شنو؟!^۷» (صالح، ۱۴۱۷: ۴) در این کلام، فعل کمکی «نمی‌توانم»، به همراه «آیا» که از ادات پرسشی است، بر معنای تعجب و شگفتی گوینده از موضع قدرت دلالت می‌کند؛ یعنی او چگونه می‌تواند این گونه فکر کند؟ یعنی نباید و نمی‌تواند اینگونه فکر کند.

ساختار متنی

ساختار متنی شامل «نوبت‌گیری و دانش زمینه‌ای مفروض» می‌باشد که در ادامه به بیان و تحلیل هریک از این موضوعات پرداخته خواهد شد:

نوبت‌گیری

گزاره‌های طبیعی شده متضمن مفروضاتی درباره‌ی روابطی اجتماعی هستند که شالوده‌ی اعمال تعامل را شکل می‌دهند. «نظام نوبت‌گیری در گفتگو یا آداب نزاکت، مفروضاتی

هستند که طبیعی شده‌اند و عموماً مردم از وجود آن‌ها بی‌خبرند؛ نه می‌دانند که چگونه آن‌ها را در مورد ایشان به‌کار می‌برند و نه می‌دانند که خود، چگونه آن‌ها را در مورد دیگران به‌کار می‌بندند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۰). اداره‌ی نوبت‌گرفتن، به ماهیت نظام نوبت‌گیری به‌کار گرفته‌شده و روابط قدرت بین مشارکین بستگی دارد (همان: ۲۰۴). نمونه‌ی یک گزاره‌ی تلویحی طبیعی‌شده در آغاز رمان عرس الزین، گفتگوی مدیر مدرسه با توریفی (دانش آموز) است، «افندی سمعت الخیر؟»، «خبر بتاع آیه یا ولد یا بهیم؟»^(۱۸) (صالح، ۱۴۱۷: ۳)، که هر دو مشارک گفتمانی (مدیر و توریفی) به‌طور طبیعی احساس می‌کنند که این مدیر است که به‌علت موقعیت و قدرت برتر اجتماعی نسبت به توریفی، باید پیش از وی سخن بگوید (نظام نوبت‌گیری). وی در این بخش، با کلماتی بی‌ادبانه و توهین‌آمیز سؤالاتی را پرسیده و توریفی نیز در جایگاه فرد کم‌قدرت‌تر، سؤالات وی را با سؤالی دیگر یا با جمله‌ای انحرافی پاسخ می‌دهد.

عدم نوبت‌گیری در مکالمه‌ی افراد برابر

برای آنکه اشخاص در عرصه‌ی تعامل، از سهمی برابر برخوردار باشند، لازم است که جایگاه آنان نیز با هم برابر باشد. جایگاه برابر، یعنی اینکه آنان در حقوق و وظایف گفتمانی و کاربردی خود نیز با یکدیگر برابر باشد؛ مثلاً حقوق یکسان در نوبت‌گیری در مکالمه و وظایف مساوی در پرهیز از سکوت و بریدن صحبت دیگران (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۵۹). در این رمان، محبوب و گروهش اعضای تشکیل‌دهنده‌ی یک نهاد اجتماعی کوچک، اما با نفوذ، فعال و قدرتمند هستند. این گروه از دیدگاه نویسنده، از نوعی مکالمات ویژه و آرمانی برخوردارند، زیرا وی در توصیف گفتگوی آن‌ها می‌گوید: گاهی بحث و منازعه ایشان شدت می‌گیرد و کلماتی که از دهانشان خارج می‌شود مثل پاره آجریست که پرتاب می‌شود و جملاتشان شکسته و ناتمام است. آن‌ها با صدای بلند با هم صحبت می‌کنند، طوری که معلوم نیست گوینده و شنونده کیست، در چنین موقعیتی، یک آدم غریبه، آن‌ها را یک گروه بی‌نظم تصور می‌کند. (صالح، ۱۴۱۷: ۸۸)، از

جنبه‌ی توصیفی، در این کمیته‌ی اجتماعی، نوعی عدم نوبت‌گیری در مکالمه، پرهیز از سکوت و برابری در حقوق گفتمانی قابل مشاهده است.

دانش زمینه‌ای مفروض

انتظام تعاملات، به وجود دانش زمینه‌ای مفروض وابسته است. همچنین دانش زمینه‌ای، دربرگیرنده‌ی بازنمودهای ایدئولوژیک «طبیعی‌شده» است؛ یعنی آن دسته از باز نمودهای ایدئولوژیکی را شامل می‌شود که اندک اندک و به‌صورت «عقل سلیم» غیر ایدئولوژیک به‌نظر می‌آیند. اهداف انتقادی، به آن معنی است که افراد در جهت روشن کردن این گونه طبیعی شدگی‌ها بکوشند؛ یعنی تعیین‌ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان که ماهیتاً از دید مشارکین آن مخفی می‌مانند، را آشکار سازند... (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۷). در رمان «عرس الزین»، وقتی مدیر مدرسه با عصبانیت در رد اتهام عبدالصمد که وی را متهم به نظر داشتن به نعیمه از جهت ثروت پدرش کرده بود، گفت: «أنا؟ خاف الله با رجل. هذه فی عمر بناتی. وقال شیخ علی بسری عنه: عمر بناتک آیه یا شیخ؟» (صالح، ۱۴۱۷: ۶۸). در واقع جمله‌ی پرسشی شیخ‌علی، یکی از همین بازنمودهای طبیعی‌شده و مخفی در متن رمان است؛ به این معنا که در بافت فرهنگی و سنتی مردم روستا، ازدواج مجدد مردان متأهل روستا، حتی با وجود داشتن فرزندان بزرگسال، امر ناپسندی نیست و طبیعی به‌نظر می‌رسد.

تحلیل گفتمان انتقادی رمان «عرس الزین» در سطح «تفسیر»

تفسیر به رابطه‌ی بین متن و تعامل و مشاهده‌ی متن به‌عنوان محصول فرآیند تولید و منبعی در فرآیند تفسیر دلالت دارد. این قسمت، به بافت موقعیت، بینامتنیت و انواع گفتمان توجه دارد (عباسی و عبدی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). با مطالعه‌ی قضایای اصلی متن و نحوه‌ی پیوست آنان از سویی و مطالعه‌ی موضوع یا موضوعات اصلی موجود در متن از سوی دیگر، مجموعه‌ی باورهایی کشف می‌شود که با آنکه در متن اشاره‌ای به آن‌ها نشده، اما نقاط اتکای متن محسوب می‌شوند (خانیکی، ۱۳۷۷: ۲۴۹). اینجاست که می‌توان توانایی

گفتمان‌ها را در تجسیم معنا و ارتباط اجتماعی دریافت؛ زیرا گفتمان، شکل‌دهنده‌ی ذهنیت و ارتباطات اجتماعی-سیاسی (قدرت) است (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷). در سطح تفسیر، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که تفسیر مشارکین گفتمان از بافت متنی و موقعیتی چیست؟

تفسیر بافت بینامتنی

تأمل در پیوندهای پیدا و پنهان رمان «عرس الزین» با رمان «همسایه‌های» احمد محمود، زمینه‌ساز واکاوی جریان‌های اجتماعی مشترکی است که می‌تواند مخاطبان را با خصایص مشترک جامعه‌ی فرودست آشنا سازد. آدم‌های هر دو رمان در دام آداب و رسوم دست و پا گیر و نیازهای اولیه‌ی زیستی اسیرند و راهی برای خارج شدن از این شب تاریک نمی‌شناسند (یاوری، ۱۳۸۸: ۱۲۲) و نویسندگان هر دو رمان، با هدف آگاهی مردم نسبت به وضع خودشان، اقدام به نوشتن این داستان می‌کنند (گلستان، ۱۳۸۳: ۷۲). رمان همسایه‌ها همچون رمان «عرس الزین»، داستان زندگی طبقه‌ی زحمت‌کشی است که در جامعه‌ی سرمایه‌داری و تحت سلطه‌ی نظام سرمایه‌داری و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن جامعه هستند. شخصیت‌های داستان که نمونه‌ی کوچکی از جامعه‌ی بیرون نیز قلمداد می‌شوند، همگی به طبقه‌ی فرودستی تعلق دارند که در پی دستیابی به حقوق تضییع‌شده‌ی خود هستند. تضمین و برقراری بافت بینامتنی با قرآن کریم و سایر متون ادبی، استفاده از ضرب‌المثل‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها در متن، از دیگر شیوه‌هایی است که نویسنده با استفاده از آن، بافت موقعیت را پرورانده است، مانند: « یذکر تماماً أن الإمام قرأ الآية «وهزی إليك بجذع النخلة تساقط عليك رطباً جنياً» من سورة مریم، (آیه ۲۵) وهی آیه فیها الخیر والبرکة^(۲۰)» (صالح، ۱۴۱۷: ۶۱). در اینجا امام جماعت با مشاهده‌ی درختان نخل پر بار روستا، آیاتی از سوره‌ی مریم که در آن خیر و برکت می‌باشد، را تضمین آورده است. یا این ضرب‌المثل «الراجل راجل و إن كان بی ریاله، والمرأة مرأة و إن كانت شجرة الدر^(۲۱)» (همان: ۷۳) که به‌نوعی نمایانگر گفتمان اجتماعی موجود در جامعه، که آن، نگاه تبعیض‌آمیز عموم جامعه به زن می‌باشد، است. نویسنده در این

جمله نیز «أن الحكومة، هذا المخلوق الذی یشبهونه فی نوادرهم بالحمار الحرون^{۲۲}» (همان: ۶۲)، جایگاه نامطلوب دولت نزد روستاییان را به تصویر کشیده است.

تفسیر بافت موقعیتی

در تفسیر بافت موقعیتی، سعی می‌شود تا پاسخی برای این سؤالات ارائه گردد:

ماجرا چیست؟

چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟

روابط میان آنها چیست؟

نقش زنان در پیشبرد ماجرا چیست؟

جان‌مایه‌ی داستان (ماجرا) چیست؟

در تفسیر داستان «عرس الزین» باید گفت که این داستان، ماجرای با مضمون اجتماعی - فرهنگی و به‌نوعی نمایانگر گفتمان اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه است. نویسنده با بهره‌گیری از توصیف رویدادها و حالات شخصیت‌ها، خواننده را با فضای داستان و ماجراهای مربوط به آن آشنا می‌کند. در این رمان، جان‌مایه‌ی داستان، حول موضوع عروسی زین و نعیمه می‌گردد و با گفتمان کاراکترها در همین زمینه آغاز می‌شود: «توریفی به مدیر می‌گوید: «الزین ماش یعقدو له بعد باکر^{۲۳}» (صالح، ۱۴۱۷: ۴). یا در جایی دیگر شیخ علی به مدیر می‌گوید: «کدی افعد انکیلیک حکایة عرس الزین^{۲۴}» (همان: ۵). این ازدواج در تقابل و تناقض با ازدواج‌های سنتی بوده که پیش از این در روستا متداول بوده است. به همین سبب، همه با تعجب درباره‌ی آن از یکدیگر سؤال می‌کنند. خصوصاً سواد و هوش نعیمه و بی‌سوادی و ساده‌لوحی زین، بر تعجب اهالی بیشتر افزوده بود.

چه کسانی درگیر ماجرا هستند

از جمله کسانی که درگیر ماجرا هستند می‌توان به زین، حنین، سیف‌الدین، امام جماعت، محبوب و گروهش و نعیمه اشاره داشت که همگی نقش مهمی را در رمان ایفا می‌کنند.

روابط میان آن‌ها چیست؟

حنین، یگانه شخصیت عرفانی رمان است که در روابط خود با مردم روستا، همچون رهبری وارسته به راهنمایی و ارشاد مردم اهتمام می‌ورزد و آن‌ها را با نفوذ گفتار خود به سوی فطرت پاکشان هدایت می‌کند. سیف‌الدین شخصیت منفی رمان، با میانجی‌گری حنین در یک شب پرماجرا و شگفت‌انگیز به گونه‌ای متحول می‌گردد که گویی از نو متولد شده است. محبوب نیز مردی بود که با وجود آنکه خودش را از انسان‌های زاهد کنار می‌کشید، اما با توجه به پیشگویی‌های حنین، ترسی غریزی نسبت به افراد مذهبی خصوصاً حنین داشت. اما روابط امام جماعت و مردم، نقطه‌ی مقابل روابط مردم با حنین است؛ مردم دهکده امام را هیچ‌وقت به اسم صدا نمی‌کردند؛ برای اینکه در نظر آن‌ها او یک شخص نبود، بلکه یک «نهاد» به حساب می‌آمد و از این‌رو آن‌ها با توجه به رابطه‌شان با امام جماعت، به چند اردوگاه مجزای موافقین و مخالفین تقسیم‌شده بودند. نعیمه با زین دخترعمو، پسرعمو بودند و زین در نظر نعیمه، مردی ساده و یتیم بود که نیاز به توجه داشت و از این‌روی، مورد محبت و ترحم نعیمه قرار می‌گرفت. زین نیز برخلاف لودگی‌هایی که با سایر زنان داشت، در هنگام ملاقات با نعیمه، رفتاری مؤدبانه داشت. گروه محبوب نیز از نفوذ و قدرت زیادی در ارتباط با مردم ده برخوردار بودند و هریک به تناسب توانایی‌هایشان، گوشه‌ای از مسائل و مشکلات ده را حل و فصل می‌کردند.

نوآوری و خلاقیت در کنش‌های گفتمانی نعیمه

میان رخدادهای خرد کلامی و ساختارهای کلان اجتماعی، پیوندی ناگسستنی وجود دارد و در برخی موارد ساختارهای کلان جامعه، نتیجه‌ی رخدادهای خرد کلامی میان

افراد یک جامعه است. اما منظور از تغییر در رخدادهای گفتمانی، نوآوری و خلاقیتی است که از برخی جهات با عرف‌ها و انتظارات معمول تعارض دارد. تغییر، نوعی تخطی از حدود محدوده‌های عرفی به‌شمار می‌آید؛ مثلاً تناقض‌هایی که در تعیین جایگاه روی می‌دهد و به روابط جنسیت مربوط می‌شود، یعنی آن‌جا که کاربرد گفتمانی جنسیت‌محور و دیگر فعالیت‌ها، تحت تأثیر تناقض‌های موجود میان جایگاه فاعل سنتی مربوط به جنسیت که انسان‌ها را در آن چارچوب اجتماعی نموده و تحت تأثیر روابط جنسیتی جدید، دچار مشکل شده و تغییر پیدا کرده‌اند. در واقع مردم با وضعیتی روبرو می‌شوند که آن را «معماهای ایدئولوژیک» می‌نامند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۰۶). در رمان، نعیمه به‌ویژه در مسأله‌ی ازدواج با کنش گفتمانی خود، ابتکار و جسارتی خلاف عرف و سنت‌های معمول به‌خرج می‌دهد و در انتخاب همسر آینده‌اش شخصاً دخالت می‌نماید و حتی پیش‌قدم می‌شود. کلام او با افراد خانواده نیز خلاقانه و برخلاف سنت و عرف روستاست، چنان که برادر نعیمه درباره‌ی آینده‌اش چنین می‌گوید: «دکتوره و لاهمیه^{۲۵}» (صالح، ۱۴۱۷: ۳۳). وی با بیان این جمله، بر توانایی‌های خواهرش در داشتن مشاغلی که پیش از این مختص مردان بوده، تأکید می‌کند که این، خود پذیرش تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه برادر نعیمه در جایگاه یک مرد است. می‌توان استراتژی نعیمه را این‌طور خلاصه کرد: مقتدر، قاطع و انعطاف‌ناپذیر که در عین حال، به زن بودن خود نیز لطمه‌ای نمی‌زند. نعیمه با چهره‌ای مصمم و غیرقابل رسوخ، به برادرش می‌گوید: «التعلیم فی المدارس کله طرطشة. کفایة القرایة و الکتابة و معرفة القرآن و فرائض الصلاة» یضحک أخواها و یقول: باکر یجی ود حلال یرسک و تنفک من حججک^{۲۶}» (همان: ۳۴). در واقع کلام نعیمه، آمیزه‌ای از عناصر بیانی گفتمان‌های مردسالارانه با عناصر بیانی زنانه است. چهره‌ی مصمم و غیرقابل رسوخ نعیمه، لحن مقتدرانه و قاطع وی در پاسخگویی به برادرش و به‌کارگرفتن افعالی چون «مفهومی ندارد» و «کافی است» که بیانگر قاطعیت و اصرار او بر موضوع «فراگیری سواد تنها در حد خواندن و فهمیدن قرآن و مسائل مذهبی» می‌باشد، همگی از ویژگی‌های کلام مردانه برخوردار است. اما در این جمله‌ی نعیمه که می‌گوید: «آدم» همان‌قدر که خواندن و نوشتن را برای فهمیدن

قرآن بداند کافی است، منظور از واژه‌ی «آدم» همان «قشر زنان» است که ریشه در اعتقادات مذهبی و دیدگاهی دارد که او به‌عنوان زنی مسلمان نسبت به همجنسان خود دارد. نعیمه در آفرینش جایگاهی برای یک زن مذهبی و مسلمان و مصر به انجام وظایف اسلامی، موفق است و در این موقعیت، به‌هیچ‌عنوان در پی جانبداری از حقوق زنانه‌اش نیست؛ بلکه برداشت و احساس او نسبت به حقوق و وظایف یک زن مسلمان همانی است که آن را قاطعانه ابراز می‌کند. سخنان نعیمه به‌دلیل برخوردارگی از قاطعیت‌های مردانه و حد و حدودی که او برای تحصیلات زنان قائل است، از چنان تأثیری برخوردار می‌باشد که برادرش را با تمام اعتقادات سنتی‌اش نسبت به زنان جامعه، وادار می‌کند تا عقاید او را به‌عنوان یک زن بپذیرد. البته برادر نعیمه چون می‌داند که او برخلاف رفتار و گفتار دیگر زنان ده، از جسارت و قدرتی مردانه برخوردار است، آرزو می‌کند که نعیمه در آینده با جوانی که شایسته‌ی اوست، ازدواج کند و دردسرهاش کم شود. در توصیف سخنان برادر نعیمه، مخاطب به شکلی ضمنی و تلویحی با نوعی دانش پس‌زمینه‌ای مواجه است که در آن، ازدواج برای دختران روستا، امری بسیار سرنوشت‌ساز می‌باشد و موجب می‌گردد که از مشکلات و دردسرهاشان رهایی یابند. گفتارهای نعیمه و کنش‌های زبانی او، برخلاف عرف و چارچوب‌های جامعه‌ی روستایی درباره‌ی جنس زن است و از این‌رو برادرش، با وجود آنکه عمیقاً به جسارت و توانایی‌های نعیمه افتخار می‌کند، اما معتقد است که ازدواج نعیمه، از مشکلاتش می‌کاهد.

تحلیل گفتمان انتقادی رمان «عرس الزین» در سطح «تبیین»

در این مرحله، به تحلیل متن به‌عنوان جزئی از روند مبارزه‌ی اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت پرداخته می‌شود و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل‌دادن این گفتمان مؤثر است؟

در سطح تبیین این داستان، از یک سو، عوامل فراگیری جهل و خرافات، پابندی به سنت‌های غلط و سلطه‌ی مردان بر زنان و فقر مادی و فرهنگی جامعه‌ی سودان از سوی دیگر به‌تصویر کشیده شده است. از آنجایی‌که صالح، اثر خود را در سال‌های دهه‌ی هفتاد، یعنی دوران پسااستعماری سودان، خلق نموده نگاه‌ی رئالیستی و انتقادی نسبت به مسائل و مشکلات این مقطع زمانی دارد. یکی دیگر از مواردی که باید در سطح تبیین به آن پرداخت، آن است که چه عناصری از دانش زمینه‌ای نویسنده دارای خصوصیت ایدئولوژیک است؟ طیب صالح در اثر خود، اوضاع نابسامان زنان در جامعه‌ی سودان را به‌تصویر می‌کشد؛ جامعه‌ی روستایی که خود دوران طفولیت و نوجوانی‌اش را در آنجا گذرانده است. در این داستان، زنان تحصیلاتی ندارند و معمولاً مورد بی‌مهری همسران خود واقع می‌شوند؛ همسرانی که به‌خود حق می‌دهند علی‌رغم داشتن زن و فرزندان متعدد، به فکر ازدواج دیگری باشند. صالح یکی از دلایل ازدواج مجدد مردان را بی‌توجهی زنان به آراستگی، نظافت و ظاهر خود می‌داند، همانگونه که در قسمتی از رمان، سعید خطاب به همسرش می‌گوید: «جیفه^{۲۷}» (صالح، ۱۴۱۷: ۸۵). از همین‌رو دختران جوان کم سن و سالی که به دلایل متعدد، خواستگار مناسبی نداشتند به عقد مردانی مسن که گاهی هم‌سن پدرانشان بودند درمی‌آمدند. طیب صالح با برجسته‌کردن شخصیت نعیمه در یک آرمان شهر، زنان را تشویق می‌کند تا همانند او به تحصیل بپردازند، روشنفکر و خودساخته باشند و با قدرت در برابر سنت‌های غلط گذشتگان بایستند و در انتخاب همسر آینده‌شان دخالت مستقیم داشته باشند و حتی پیش قدم شوند. اگرچه داستان در ظاهر به شخصیت زین و حوادث پیرامون او می‌پردازد اما در حقیقت، زین پوششی است تا نویسنده اوضاع اسفبار زنان و دختران را در جامعه‌ی سودان به‌تصویر بکشد و این‌گونه، نعیمه را به‌عنوان الگوی زنی قدرتمند، آگاه و سنت‌شکن معرفی کند. در واقع نویسنده خواستار آن است که روزی برسد تا زنان جامعه همچون نعیمه، در مقابل قدرت مسلط بر جامعه یعنی جهل فرهنگی و اجتماعی ایستادگی و مقاومت کنند.

«نویسندگانی مثل طیب صالح که فن رمان نویسی را تنها ابزار بیان آثارشان دانسته‌اند، با مشاهده نابسامانی‌های اجتماع خود و رواج ریاکاری و فساد اخلاقی رجال، دل‌هایشان به درد آمده و با دیدن پریشانی و ناهنجاری اجتماع و ضعف اخلاقی قهرمانان، خشم و نفرت خود را در آثار خویش با پوششی منعکس می‌ساختند» (حلبی، ۱۳۶۴: ۱۱). از آنجایی که زبان و متن، نمودهایی از پیام اجتماعی، فرهنگی و روابط قدرت هستند و رفتارهای گفتمانی، مادامی که به حفظ، تأثیر یا تضعیف روابط قدرت یاری برسانند، بار ایدئولوژیک خواهند داشت (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۱)، بازنمایی مسائل اجتماعی و اخلاقی در داستان، می‌تواند دربردارنده‌ی معنایی ایدئولوژیک باشد و این موضوع که داستان، کانون مبارزه‌ی ایدئولوژیک است را بیان کند و در نهایت، تمرکز پیام داستان را بر روی همین مسائل قرار دهد.

نکته‌ی دیگر، بیان جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح مختلف نهادی، اجتماعی و موقعیتی است. طیب صالح در داستان خود، خواستار بیان این مطلب است که سرمنشأ تمام این آشفتگی‌های اجتماعی، نابسامانی‌های فرهنگی و از هم‌پاشیدگی‌های نظامی جامعه‌اش، جهل و خرافه و سنت‌های غلط است؛ این جهل است که باعث می‌شود دختران جوان برای ازدواج، به هرگونه خفت و خواری تن دهند. رمان اجتماعی، سعی دارد تا اوضاع جامعه و ناهنجاری‌های آن را به‌تصویر بکشد، اما به‌دلیل معذوریت‌های سیاسی و حکومتی، نمی‌تواند فضای گفتمان غالب آن دوره را مورد نقد قرار دهد و در اکثر موارد، مانند رمان «عرس الزین»، به‌صورت تمثیلی از زبان دیوانه‌ای کم عقل مانند زین، این موارد را بیان می‌نماید و در آن، به نقد و تحلیل موقعیتی و اجتماعی جامعه‌ی خود می‌پردازد. یکی از ویژگی‌های ادبیات کشورهای تحت ستم، عموماً رواج طنز، هجو، شوخی و مسخرگی در میان آن‌هاست؛ زیرا مردمی که قدرت نقد آشکار از آنها سلب شده، خود را به لودگی و طنزگویی می‌زنند و از راه اظهار سخن دو پهلو، غیرصریح و خنده‌دار و گاهی گزنده، انتقادهای خود را اظهار می‌کنند (حلبی، ۱۳۶۴: ۱۶). رمان «عرس الزین» نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ صالح با کنکاش و واکاوی گفتمان‌های رمان خود، نوعی مبارزه‌ی اجتماعی را برعلیه

سنت‌های ناپسند و طبیعی شده به نمایش می‌گذارد. او از زبان لودگی و دیوانگی، برای بیان و تفسیر این معضل اجتماعی استفاده می‌کند تا بتواند دردهای جامعه را به خواننده القا کند و مخاطبش را به اندیشه و تغییر و دگرگونی وادارد. این رمان دارای طبع انتقادی، هدف‌دار و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماع است و طیب صالح در آن، در پی اصلاح جامعه و آگاهی مردم جامعه می‌باشد. وی هیچ راه‌حل و چاره‌ای، جز بیان این واقعیت‌های تلخ نمی‌یابد تا شاید بتواند از این طریق، ذره‌ای به هوشیاری و بیداری جامعه‌اش کمک کرده باشد. او در داستان‌هایش در پی آن است که ساختار و حقایق تاریخ را دوباره زنده کند و بسازد؛ وی در مواردی با صراحت لهجه و قاطعیت، افکار درونی خود را بیان و وضع اجتماعی موجود در کشورهای عربی که بر پایه‌ی جهل و خرافه است را نقد می‌کند.

نتیجه‌گیری

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، نمایان‌گر رابطه‌ی بین نویسنده، متن و خواننده است و تأثیر بافت متن و بافت موقعیتی بر روی گفتمان را بیان می‌دارد. رمان «عرس الزین» رمانی رئالیستی-اجتماعی است و بازتولیدی از واقعیت‌های تلخ دوره‌ی خاصی از سودان دارد که طیب صالح در ورای واژگان و جمله‌ها، سعی دارد تا آن‌ها را نمایش دهد.

تحلیل گفتمان انتقادی رمان مذکور این امکان را برای مخاطب فراهم می‌آورد تا با بررسی سطوح مختلف آن و آشکار ساختن عمیق‌ترین لایه‌های ساختار و معنای موجود در رمان، به ایدیولوژی و نگرش نویسنده از خلق این اثر دست یابد. این رمان در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی گردید و نتایج آن به تفکیک بیان می‌شود:

۱. در سطح توصیف متن، مشخص شد که واژگان و ساختارهای دستوری، بار ایدئولوژیک دارند و جان‌مایه‌ی رمان، نشان‌دهنده‌ی تقابل‌هایی است که همواره در ساختارهای اجتماعی نمود می‌یابد؛ همچنان‌که رمان در پی تسلط اهل قدرت، با گفتمان مدیر و دانش آموز شروع می‌شود ولی گفتمان اکثر کارکنان رمان، حکایت از برابری

قدرت در بین اهالی روستا دارد. از این رو زبان نویسنده، ساده و روان است و بسامد اندک جملات مجهول، در مقابل بسامد بالای جملات معلوم، نشان از مشخص بودن کنشگر دارد. خوانندگان با غلبه‌ی جملات مثبت نسبت به جملات منفی و جملات خبری نسبت به جملات پرسشی و امری مواجه هستند. بسیاری از واژگان به کار گرفته شده از سوی شخصیت‌های داستان، عامیانه و غیررسمی هستند که گاه تکراری و کنایه‌آمیز است و در پاره‌ای از موارد، با بار عاطفی، مذهبی و اعتقادی همراه می‌باشد.

2. سطح تفسیر، که محصول ارتباط دیالکتیکی ویژگی‌های صوری و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر است، به بازگویی برخی از پیش فرض‌ها که در اذهان مردم وجود دارد، می‌پردازد. درعین حال جان‌مایه‌ی داستان، حول ماجرای عروسی زین و نعیمه می‌گردد. این رمان از روندی منطقی در بیان ماجرا و روابط میان افراد برخوردار است که در اغلب موارد، مبتنی بر برابری قدرت در جامعه‌ی روستایی می‌باشد.

3. در سطح تبیین، درحالی‌که ساختارهای اجتماعی، گفتمان حاکم میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه‌ی روستایی را عینیت می‌بخشد، گفتمان حاکم می‌تواند در پی بیان انتقادی خود، ساختار را به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرار دهد. چنان‌که وجود برخی گفتمان‌ها میان نعیمه و دیگر کارکترهای رمان، نشان از نوعی مبارزه‌ی اجتماعی در متن دارد و مشخص می‌کند که تولیدکننده در پی تغییر ساختار اجتماعی جامعه‌ی خویش است.

از آنجایی‌که صالح، اثر خود را در سال‌های دهه‌ی هفتاد، یعنی دوران پسااستعماری سودان خلق نموده نگاهی رئالیستی و انتقادی نسبت به مسائل و مشکلات این مقطع زمانی دارد. در واقع او با کنکاش و واکاوی گفتمان‌های رمان، نوعی مبارزه‌ی اجتماعی را برعلیه سنت‌های ناپسند و طبیعی شده به نمایش می‌گذارد. صالح در پایان نمادی از جامعه‌ی آرمانی خود که در آن، تمام اقشار مردم با برابری و تساوی حقوق اجتماعی و قدرت گفتمانی، از روابط انسانی مسالمت‌آمیز برخوردار باشد را در عروسی زین تجلی می‌بخشد. ازدواج زین با نعیمه در پایان داستان، نشان می‌دهد که ایدئولوژی نویسنده در بازنمایی سلطه‌گری‌ها و ستم اهل قدرت بر زنان، تغییرکرده، سیر تغییر و تحول

شخصیت‌ها، در واقع بازگشت به سوی فطرت انسانی آنهاست که با راهنمایی و گفتمان ارشادی حنین، رهبری دینی، صورت واقعیت به‌خود می‌گیرد. و نشان‌دهنده‌ی امیدواری طیب صالح به بهبود وضعیت جامعه‌ی سودان است. طیب صالح سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه برای رسیدن به برابری قدرت گفتمانی را در رخدادهای کلامی (ساختار خرد) جامعه‌ی روستایی نمودار می‌سازد و بازتاب آن را در تحول ساختار کلان جامعه یعنی عروسی زین آشکار می‌گرداند.

پی‌نوشت‌ها (۲۶)

۱. «چرا آن نره خر رفته پیش عموی من و گفته زین مرد نیست که ازدواج کند؟»
۲. «مردار»، «ای مردار متعفن، از دخترهای مدیر یاد بگیر»
۳. «آقا خبر را شنیدید؟»
۴. «رفیق تو دیوانه‌ای؟ آیا فرق بین شوخی و جدی را نمی‌فهمی؟ یک ذره مغز تو کله‌ات نیست»
۵. «زین خدا از تو راضی باشد، رهایش کن»
۶. «مردار»
۷. شجرالدُر: دومین پادشاه زن مسلمان و آخرین ملکه ایوبیان بود که سپاهیان فرانسوی را شکست داد ولی بعدها به دست ممالیک کشته شد (توکلی، ۱۳۸۵: ۱۲).
۸. «مرد، مرد است حتی اگر احمق باشد، و یک زن هم یک زن است حتی اگر به زیبایی شجرالدُر، باشد».
۹. «طبل بزرگ برنجی مثل رعد به غرش درآمد. آنها گفتند طبل می‌تواند حرف بزند. دختر عبدالله می‌گفت طبل برنجی می‌گوید: «زین دارد ازدواج می‌کند، زین دارد ازدواج می‌کند»»
۱۰. «زین ابله نیست. او بنده‌آمزیده‌ خداست و فردا با بهترین دختر ده ازدواج خواهد کرد»
۱۱. «چرا این حرف‌های بی‌معنی را ول نمی‌کنی، بروی پی کارت؟»
۱۲. «آقا خبر را شنیده‌اید؟»، «خبر راجع به چه چیز بچه‌ی بی‌شعور؟».
۱۳. «قهوه‌ات تو سرت بخوره، بلند شو در گاو صندوقت را باز کن پول من را بده، اگر نمی‌خواهی پولم را بدهی بگو؟»
۱۴. «یا بنشین یا بزنی به چاک»
۱۵. «شیخ علی تو فکر می‌کنی من نمی‌توانم پولم را از تو بگیرم؟»
۱۶. «شیخ! حنین ما، پدر ما، بنده‌خاص خدا»

۱۷. «علی، تو فکر می‌کنی که من نمی‌توانم پولم را از تو بگیرم؟ یا این که چه فکری به سرت زده؟»
۱۸. «آقا خبر را شنیده‌اید؟»، «خبر راجع به چه چیز بجهی بی‌شعور؟».
۱۹. «از خدا بترس مرد، او همسن دخترهای من است»، شیخ علی در ادامه گفت: «سن دخترهای تو چه کار به او دارد؟»
۲۰. «مریم شاخه‌ی نخل را تکان بده تا خرما‌ی تازه بر تو فرو ریزد»
۲۱. «یک مرد، مرد است، اگر چه احمق باشه و یک زن، زن است اگر چه پادشاه باشد».
۲۲. «دولت مثل خر سرکش است»
۲۳. «آن‌ها در تدارک عروسی زین برای پس‌فردا هستند»
۲۴. «بیا بنشین تا برایت داستان عروسی زین را تعریف کنم»
۲۵. «تو می‌توانی یک دکتر یا یک حقوق‌دان بشوی»
۲۶. «تحصیلات در مدرسه مفهومی ندارد و همان قدر که آدم خواندن و نوشتن را برای خواندن و فهمیدن قرآن و مسائل مربوط به نماز و تشریفات مذهبی بدانند کافی است. و برادرش می‌خندد و می‌گوید: «فردا جوان خوبی می‌آید و با تو ازدواج می‌کند و درد سرت را کم می‌کند!»
۲۷. اگرچه در ترجمه‌ی عبارت‌های عربی این پژوهش از ترجمه دکتر شجاعی فر استفاده شده، اما از آنجایی که این ترجمه از روی متن انگلیسی انجام شده و نه عربی، خالی از اشتباه نبوده، لذا نویسنده مقاله در بعضی موارد اصلاحاتی را انجام داده است.

منابع و مأخذ

- ارباب، سپیده (۱۳۹۱)، «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، دوره ۲، شماره ۴: ۱۰۷-۱۲۴.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۴)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهرام‌پور، شعبان‌علی (۱۳۷۸)، گردآورنده مقدمه کتاب «تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف»، ترجمه شایسته پیران، فاطمه و دیگران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها: ۱-۱۵.
- توکلی، فائزه. (۱۳۸۵). زنان فرمانروا در دولت‌های اسلامی. *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۳۳: ۷-۳۱.
- جان‌نژاد، محسن. (۱۳۸۰). «زبان و جنسیت: پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه». راهنما: علی افخمی: دانشگاه تهران.
- حلی، علی اصغر. (۱۳۶۴). *مقدمه‌ای بر طنز و شوخ طبعی*. تهران: بهبهانی.
- خانیک، هادی، (۱۳۷۷). «درآمدی بر رابطه میان نظام اجتماعی و ساختار زبانی و مطبوعات تحلیل گفتمان دو نشریه دوران پراکندگی و تمرکز قدرت سیاسی در ایران»، *گفتمان*، شماره ۲: ۲۶۴-۲۶۷.

- سرلک، عبدالرحمن. (۱۳۹۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی نمایشنامه‌های «علی حاتمی» براساس چهارچوب نظری نورمن فرکلاف» راهنما: حسینعلی قبادی. دانشکده علوم انسانی: دانشگاه تربیت مدرس.
- شجاعی فر، شکرالله (۱۳۷۹)، ترجمه عروسی زین «طیب صالح»، تهران: نشر آگاه.
- صالح، الطیب (۱۴۱۷)، عُرْسُ الزَّيْنِ، بیروت: دار الجلیل.
- عباسی، نسرین و صلاح الدین عبدی، (۱۳۹۱)، «بررسی رمان «الصابر» سحر خلیفه براساس الگوی تحلیلی فرکلاف، دو فصلنامه نقد ادب معاصر عربی، سال دوم، شماره سوم: ۱۰۱-۱۲۱.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه، شایسته پیران و دیگران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- گلستان، لیلی. (۱۳۸۳). حکایت حال، چاپ اول، تهران: معین
- میلز، سارا. (۱۳۸۸). گفتمان. ترجمه فتح محمدی. تهران: هزاره سوم.
- یارمحمدی، لطف الله. (1393). درآمدی به گفتمان‌شناسی. چاپ دوم. تهران: هرمس.
- یاوری، حورا. (۱۳۸۸). داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران، تهران: سخن.
- Rogers, Rebecca. (2011). An Introduction to Critical Discourse Analysis in Education, Second Edition, New York: Routledge.

تحليل خطاب فير كلاف النقدي لرواية "عرس الزين" للطيب صالح

شمسي واقف زاده^{١*}

آزاده قوامي^٢

الملخص

تحليل الخطاب النقدي هو عملية تكوينية ومنهج جديد في مجال الدراسات اللغوية. في سياق هذا الإتجاه متعدد التخصصات، يتجاوز اللغويون مجرد وصف البيانات اللغوية في النصوص الخطابية والمكتوبة ويعتبرون أنفسهم مسؤولين عن القضايا الاجتماعية. كما أن هذا النهج يوفر تفسير اجتماعيا وسياسيا للأساليب التي يتم بها تكوين المعنى ويتضمن مجموعة متنوعة من العمليات المختلفة في دراسة الممارسات الخطابية. تتناول هذه المقالة وصفية - تحليلية رواية "عرس الزين" في مجال خطاب فير كلاف النقدي في ثلاثة مستويات من الوصف والتفسير والشرح لتبيين السياق الخارجي والداخلي لنص هذه الرواية التقديم فهم أوسع وأشمل هذا العمل الأدبي. على الرغم من أن صالح يقدم نظرة واقعية ونقدية عن حالة المجتمع في هذه الرواية؛ إلا أنه في الوقت نفسه، تتجه نزعاته المثالية نحو المدينة الفاضلة التي تتمتع فيها جميع المؤسسات الاجتماعية ذات القوة المتساوية وبنفس المستوى، بعلاقات إنسانية سلمية. والسياسي الخارجي لهذه الرواية، هو الإهتمام بأسلوب الخطاب الحالي والشعبي، ويمتاز باللغة البسيطة، والسخرية، وأحياناً الخيرية والتكرار، ويكون مصحوبا بالمشاعر والمعتقدات الدينية. والمشهد الروائي بشكل عام يعتمد على الطبيعة البكر والنقية للأراضي المطلة على نهر النيل. وفي السياق الداخلي، فإن مسار التغيير وتطور الشخصيات يتعين في عودتها إلى طبيعتها البشرية، والتي تصبح حقيقة به امتياز مع الخطاب التوجيه والإرشاد الديني والوصفي العرفاني.

الكلمات الرئيسية: الخطاب النقدي، فير كلاف، الطيب صالح، رواية عرس الزين.

١- استاذة مساعدة في اللغة الفارسية و آدابها، جامعة آزاد الاسلامية فرع ورامين- ييشوا

٢- طالبة دكتوراه في اللغة الفارسية و آدابها، جامعة آزاد الاسلامية فرع ورامين- ييشوا